

جرجان



دکتر محمد مرتضایی*

قدیمی‌ترین و مهم‌ترین شهر تاریخی سرزمین گرگان (استان گلستان) بقایای شهر تاریخی جرجان است که در غرب شهر گنبد کاووس واقع شده.

شهر تاریخی جرجان در بستر دو رودخانه مهم گرگان‌رود و چهل‌چای شکل گرفته است. در دو سوی رودخانه، از هزاران سال پیش، زیستگاه‌هایی از دوران مس و سنگ، آغاز شهرنشینی و تمدن‌های شکوفای دوران تاریخی و اسلامی شکل گرفته است. بیش از صدها محوطه و تپه باستانی وجود دارد که تنها بخش اندکی از آن‌ها شناسایی شده است. داده‌ها و یافته‌های باستان‌شناسی در این منطقه نشانگر آن است که نخستین زیستگاه‌ها پس از گذر از دوران مس و سنگی و ورود به مرحله شهرنشینی و مفرغ، به شکل یکی از حوزه‌های فرهنگی در شمال شرق ایران، از مناطق مهم فرهنگی ایران بسان خوزستان یا از دیدگاهی، مهم‌تر از آن است. این رودخانه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری شهر جرجان دارد. مطالعات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که این منطقه تمامی شرایط لازم برای تداوم فرهنگی را تا دوران اسلامی داشته است.

کشف سفالینه‌های مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد و عصر آهن در محلی به نام «حبیب‌لی» در محدوده‌ی شهر جرجان و در حاشیه رودخانه گرگان‌رود، شاهدهی بر این مدعاست.

● جرجان در دوره تاریخی:

نام شهر تاریخی جرجان (گرگان) در کتیبه داریوش در بیستون به شکل ورکان یا ورکانه و در وندیداد به صورت وهرکانه آمده است. صورت فارسی جرجان مقتبس از اروپایی آن، هیرکانی

یا هیرکانه است. هیرکانه در اوایل شاهنشاهی هخامنشیان جزو سرزمین ماد بود و بعدها جزو متصرفات شاهنشاهی هخامنشی شد. هیرکانه از لحاظ اداری جزو منطقه مالیاتی پارت / پرتوه، از لحاظ نظامی فرمانده مستقلی داشت و تجهیزات نظامی آن نیز مانند سپاهیان ماد بود. براساس کتیبه داریوش در بیستون، با نافرمانی پارت و ورکان نسبت به داریوش، ویشتاسب، پدر داریوش که در پارت به سر می‌برد، شورشیان را در هم شکست.

هیرکانیه در حمله اسکندر به ایران (۳۱۴ ق.م) به تصرف او درآمد. اسکندر در حمله به ایران، پس از مدتی استراحت در شهر صد دروازه، احتمالاً از طریق بسطام وارد استرآباد شد و هیرکانیه را تسخیر کرد. جغرافی نویسان یونانی پس از دوره رونق حوزه عمل اسکندریه، اصطلاح دریای هیرکانیه را به جای دریای کاسپین که هرودوت آن را مصطلح کرده بود، به کار برده‌اند.

اوایل دوره اشکانیان، اهالی هیرکانیه به صورت قومی مستقل درآمدند، به طوری که مهرداد اول اشکانی پس از جنگ داخلی به سوی هیرکانیه شتافت. احتمالاً در سال ۵۸ میلادی، جانشینان گودرز اشکانی در هیرکانیه فرمانروایی می‌کردند و قلمرو آنان از مغرب تا کومس / قومس و از جنوب تا منطقه سکاهای سیستان گسترده بود. در دوره اشکانی، هیرکانیه از پارت جدا شد و استقلال یافت و سفرایی نزد قیصر روم فرستاد و بلاش اول ناگزیر استقلال هیرکانیه را به رسمیت شناخت.

اردشیر بابکان، نخستین شاه ساسانی، برای رفتن به بلخ وارد جرجان شد. جرجان در این زمان از مواضع دفاعی ایرانیان در برابر هجوم اقوام وحشی بوده است. چند تن از پادشاهان ساسانی در آنجا دیوارهای بزرگی در برابر یورش قبایل وحشی بنا کردند که نمونه آن، دیواری به طول پنجاه فرسنگ ناحیه صول (احتمالاً دهستان) است که پیروز اول ساسانی آن را ساخت. پس از او، کواز نیز چنین کرد. زمانی که خسرو اول به پادشاهی رسید، در ناحیه صول در جرجان، شهرها، قلعه‌ها، باروها و بناهای بسیاری از سنگ ساخت.

زمانی که ملوک جرجان، «اناهبذ» و به ملوک دهستان، «صول» می‌گفتند. به نوشته زریاب خوبی، «نهبذ» یا «اناهبذ» یکی از خاندان‌های پارتی و ساسانی بودند که ساسانیان از دوره اردشیر بابکان به بعد جای آنان را گرفتند و در دوره اسلامی نیز مدت‌ها این نام‌ها در جرجان دیده می‌شد و ظاهراً پس از سقوط جرجان به دست ترکان، دو لقب صول و نهبذ با هم آمیخته است.

● جرجان در دوره اسلامی

در دوره اسلامی، پس از فتح نهاوند، جرجان در زمان عمر، خلیفه دوم، به دست سویدین مقرر گشوده شد و فرمانروای جرجان با پرداخت دویست هزار درهم، صلح را پذیرفت. ظاهراً در این هنگام، جرجان در تصرف ترک‌ها بود. در سال ۹۸ هجری، یزیدبن مهلب با سپاهی که طبری تعداد آن را یکصد هزار تا سیصد هزار تن نقل کرده، شامل اهالی کوفه، شام، سران خراسان و ری و موالی و ممالیک، به ولایت جرجان که فیروز بن قول مرزبان آن بود، حمله کرد. در اواخر قرن سوم، خراج ولایت جرجان به ده میلیون درهم می‌رسید.

در سال ۴۲۴، پس از به سلطنت رسیدن سلطان طغرل بیگ، یکی از سرداران او به ولایت جرجان فرستاده شد. در سال ۵۸۹، ناحیه جرجان در دست خوارزمشاهیان بود و در همین سال، جرجان به تصرف سلطان طغرل بن ارسلان درآمد. در سال ۵۹۶ تا ۵۹۷، مقارن با یورش مغولان به ایران، مدتی جرجان در دست سلاطین غور بود. در حمله مغولان، ولایت جرجان به دست آنان افتاد و اهالی آن قتل عام شدند. در سال ۷۳۸، ولایت‌های جرجان و خراسان تحت اطاعت طغاتی‌مور، از نوادگان برادر چنگی‌خان بود. پس از به قتل رسیدن طغاتی‌مور در سال ۷۵۴، جرجان به طور موقت به دست سرداران افتاد، اما طایفه طغاتی‌مور و فرزندان او تا سال ۸۱۲ در جرجان و حوالی آن حکومت داشتند. در سال ۸۲۲، در دوره تیموریان، ولایت جرجان محل رفت و آمد و مراکز قشلاق مغولان بود. در این دوره، گاهی جرجان را مملکت ضبط کرده‌اند.

نام ولایت جرجان در دوره صفویه در منابع دیده می‌شود و ظاهراً یکی از تقسیمات کشوری در این دوره بوده است، به طوری که در سال دوازدهم جلوس شاه‌عباس اول، به دستور او، طغیان اهالی ولایت جرجان سرکوب گردید و حکومت ولایت جرجان به فرهاد خان، حاکم مازندران تفویض شد. تقریباً از همین زمان به بعد است که ولایت استرآباد جانشین ولایت جرجان شده است اما نام جرجان تا اواخر دوران قاجار به بخش‌هایی از این سرزمین، به ویژه بخش‌های شرقی و شمال شرقی اطلاق می‌شده است.

● روند شکل‌گیری شهر جرجان به استناد متون تاریخی

شهر جرجان که اکنون ویرانه‌های آن در غرب شهر گنبد کاووس قرار دارد، قرن‌ها مرکز ولایت جرجان و طبرستان و گاهی نواحی هم‌جوار به شمار می‌آمد. گوتشمیت نام کهن آن را لی کان /

لی‌کوم می‌داند. شهر، ظاهراً در مسیر یکی از شاخه‌های جاده ابریشم قرار داشت. ابوالقاسم سهمی بنای شهر را به جرجان بن لاود بن سام بن نوح نسبت داده است. در وندیداد، اهورامزدا؛ خنثه از شهرهای هرکانه (گرگان) را نهمین شهر از بهترین شهرهای آفریده خویش نامیده است. ابن اسفندیار بنای آن را به گرگین میلاد نسبت می‌دهد. مساحت آن چهار فرسنگ و مدت‌ها نشیمنگاه مرزبانان طبرستان بوده است. بلاذری بنای شهر جرجان را به یزیدبن مهلب نسبت می‌دهد. با این همه وی می‌نویسد: هنگامی که او شهر جرجان را در سال ۹۸ تصرف کرد، شهر، دیواری آجری داشت که مردم از دست ترکان در آن‌جا پناه می‌گرفتند. حمدالله مستوفی بنای شهر را به نبیره سلطان ملکشاه نسبت می‌دهد، اما ظاهراً شهر در دوره سلجوقی بازسازی شده است. در دوره ساسانیان، یزدگرد اول، ملقب به یزدگرد بزهکار، به آن‌جا آمد و بر تخت شاهی نشست و در همان شهر درگذشت. پس از او، بهرام پنجم نیز به جرجان آمد و از آن‌جا به نسا و مرو رفت. جرجان در سال‌های ۴۳۰، ۴۹۹، ۵۷۷ م، اسقف‌نشین نستوریان بود. در دوره اسلامی، در قرن ۱۸ هجری، شهر جرجان هم‌زمان با ولایت جرجان با صلح گشوده شد، اما در سال ۹۸، بر اثر پیمان شکنی اهالی جرجان و شورش آنان، یزیدبن مهلب سوگند خورد که با خون اهالی جرجان، آسیاب بگرداند و جهم بن زمرین قییس جعفی را مأمور حمله به جرجان کرد. جهم پس از کشتار بسیار، بر مردم شهر جزیه و خراج وضع کرد و رفتاری سخت با آن‌ها در پیش گرفت.

به نوشته سهمی، یزیدبن مهلب پس از گشودن شهر جرجان، بارویی گرداگرد آن ساخت و طرح بنای چهل مسجد را ریخت و مسجدی به نام خود ساخت. وی همچنین نوشته است که در سال ۱۴۲، هارون الرشید و در سال ۲۰۳، مأمون همراه با حضرت امام رضا (ع) وارد شهر جرجان شدند. به نوشته ابن اسفندیار، در سال ۳۱۰، شهر گرگان/جرجان، دارالملک ابوالحسین پسر ناصر کبیر از سادات علویان طبرستان بود. در حدود العالم آمده است: «جرجان شهری است مر او را ناحیتی بزرگ است و سوادى خرم و کشت و بذر بسیار و نعمت فراخ و سرحد میان دیلمان و خراسان ... شهر به دو نیم است، شهرستان است و بکرآباد، و رود هرنند کز طوس برود، به میان این هر دو نیمه بگذرد... و از وی جامه ابریشم سیاه خیزد و وقایه (نوعی چادر ابریشمی یا پنبه‌ای) و دیبا و قزین»، ابودلف خزرجی در سال ۳۴۱ از جرجان بازدید و آن را شهری زیبا و کنار رود بزرگی میان کوه و دشت و خشکی و دریا وصف کرده است و می‌گوید: در آن‌جا، خرما، ترنج و زیتون و گردو و

نیشکر و انار می‌روید و ابریشم بسیار عالی تولید می‌شود و سنگ‌های قیمتی دارد. مقدسی نیز در قرن چهارم، شهر جرجان را با بازارها و کاروانسراهای زیبا وصف کرده و از محصولات آن، نارنج و ترنج و عناب و خربزه و انجیر و خرما و زیتون و انار و حلوی نیکو را برشمرده و از ماهی شگفت‌انگیز و خوشمزه آن یاد کرده است.

مسجد آن را زیبا و دارای دکان (کرسی سنگی یا آجری) و منبر یافته که خطیب حنفی مذهب دارد. او قسمت دوم شهر را بکرآباد نوشته است که به شهر چسبیده و میان این قسمت نه‌ری با پل‌ها قرار دارد و گورستان بزرگی در پشت نه‌ر دیده می‌شود و نه‌ر دیگری به نام طیفوری دارد (احتمالاً اخذ شده از نام طیفور بن عبدالله فرمانروای جرجان در زمان خلافت ابوالعباس سفاح). در دوره آل زیار، جرجان مدت‌ها پایتخت آن‌ها بود. به نوشته ابن اسفندیار، در سال ۳۲۸، رکن الدوله دیلمی به جرجان حمله کرد و وشمگیر ناگزیر به فرار شد.

سال ۴۱۸ سلطان محمود وارد جرجان شد. در سال ۵۸۹، خوارزمشاهیان بر جرجان تسلط داشتند که در همین سال به دست سلطان طغرل بن ارسلان قلع و قمع شدند. به نوشته حمدالله مستوفی، جمعیت شهر جرجان در زمان آل بویه بر اثر وبا و جنگ، نقصان فاحش یافت و در عهد مغول، مردم آن قتل عام شدند. به گفته وی، مردم جرجان اندک و شیعه مذهب بودند. وی دور باروی آن را هفت هزار گام می‌نویسد و از مزار اکابر آن‌جا، از تربت محمد بن جعفر صادق مشهور به گور سرخ، نام می‌برد. شهر جرجان بر اثر جنگ‌های ویرانگر و زمین‌لرزه‌ها تخریب شد. به نوشته امبرسز و ملویل، از زمین‌لرزه‌های بزرگ آن، زلزله سال ۸۷۴ بود که بر اثر آن، دوهزار تن از سربازانی که در جرجان پناه گرفته بودند، هلاک شدند و بسیاری از اهالی شهر به بغداد کوچ کردند. در سال ۹۰۳، زمین‌لرزه دیگری باعث فرو ریختن بیشتر خانه‌ها در جرجان شد و هزاران تن از ساکنان شهر جان باختند. سرانجام اهالی جرجان به حدود سه کیلومتری شهر که مکان مناسبی در کنار مقبره قابوس بود، مهاجرت کردند. این آبادی به تدریج گسترش یافت و در اواسط دوره رضاشاه، شهر گنبد قابوس جانشین شهر جرجان شد.

● معماری و شهرسازی جرجان

شهر تاریخی جرجان به صورت چند ضلعی نامنظم، مانند بسیاری از شهرهای دیگر ایران بر روی ویرانه‌های شهری از دوره ساسانی بنیاد نهاده شده است. وسعت شهر در ادوار مختلف

تغییر یافته و اوج شکوفایی آن مربوط به قرن ۵ و ۶ هجری بوده است.

این شهر در بستر دو رودخانه بسیار مهم دشت گرگان یعنی گرگان رود و چهل چای شکل گرفته و این دو رودخانه نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری و توسعه شهر در قرون مختلف اسلامی داشته و شهر در دو سوی آن ایجاد و توسعه یافته است و به وسیله پل‌های آجری به هم مرتبط می‌شده‌اند. بقایای این پل‌ها در قسمت‌هایی از اطراف رودخانه گرگان رود به چشم می‌خورد. این شهر دارای دیوار یا حصارهای داخلی و خارجی بوده و خندق بین دیوارها ساخته شده است. مصالح ساختمانی این حصار از آجر، گچ و سنگ بوده است. ارگ شهر در قسمت مرکزی شهر واقع شده و به صورت شش ضلعی می‌باشد. بناهای مذهبی، دولتی و همچنین کارگاه‌های صنعتی شهر در میان و اطراف ارگ متمرکز بوده است. طرح این شهر به صورت شطرنجی ساخته شده، به طوری که تمامی خیابان‌ها و کوچه‌ها به هم مرتبط بوده است و هیچ خیابان و کوچه بسته‌ای در معماری این شهر مشاهده نمی‌شود. تمامی خیابان‌ها و کوچه‌ها با آجر مفروش گردیده و دارای سیستم دفع آب‌های سطحی بوده، به طوری که تمامی آب‌های سطحی واحدهای مسکونی وارد کانال‌هایی می‌شد که در اطراف کوچه‌ها تعبیه شده و این کانال‌ها با کانال‌های خیابان‌های اصلی شهر به وسیله تنبوشه‌های سفالی با هم مرتبط بوده و از طریق این کانال‌ها که عمدتاً سرپوشیده بوده‌اند، آب‌های سطحی دفع می‌گردید. اکثر واحدهای صنعتی شهر از جمله کارگاه‌های شیشه‌گری، فلزکاری سفالگری در اطراف معابر اصلی شهر ایجاد شده و شهر دارای محل‌های مختلف صنعتی و خدماتی از جمله محله شیشه‌گران و سفالگران و غیره بوده است. این شهر به استناد متون تاریخی، دارای چند مسجد جامع، مراکز آموزشی، کاروانسرا بوده و مراکز آموزشی آن از چنان اعتباری برخوردار بوده که دانشمندی مانند امام محمد غزالی، تحصیل در مراکز آموزشی جرجان را از افتخارات خود می‌داند.

● کوچه‌ها، معابر و فضاهای عمومی

از مهم‌ترین آثار معماری و شهرسازی جرجان، احداث کوچه‌ها و معابر آجر فرش آن است که با ویژگی‌های خاصی در شهرسازی جرجان ایجاد شده است. احداث هر یک از این کوچه‌ها و معابر، با توجه به نیاز و اهمیت نقاط مختلف شهر ایجاد گردیده و نمونه آن در کمتر شهر دوره اسلامی ایران دیده شده است و در نهایت، ذوق و استادی توسط معماران و شهرسازان جرجان به وجود آمده است.

کوچه‌ها و معابر شهر بر اساس طرح شبکه‌بندی ایجاد و در جهات اصلی امتداد داشته و تقریباً تمامی شهر را دربرگرفته است. برخی از خیابان‌های مکشوفه عبارتند از: خیابان اول؛ این خیابان دو نقطه شهر را به هم متصل می‌کرده، از شمال امامزاده یحیی شروع و به گرگان‌رود ختم می‌شده است. خیابان مزبور در دو دوره احداث گردیده که دوره اول آن به عهد سامانی و دوره دوم به عصر سلجوقی بازمی‌گردد. این خیابان در عمق ۲ متری از سطح زمین‌های اطراف واقع شده و با آجرهایی به ابعاد $4 \times 20 \times 20$ سانتی‌متر ساخته شده. عرض خیابان ۱۰ متر و طول مکشوفه آن حدود ۲۰۰ متر می‌باشد. در دوره دوم، یعنی سلجوقی و خوارزمشاهی، با بازسازی خیابان، شکل آن را تغییر داده، به این ترتیب که از قسمت میانی خیابان برای کانال آب استفاده کرده، دو طرف با تعریض خیابان، آن را به صورت بلوار مانند درآورده‌اند.

تنبوشه‌های سفالی در کانال سراسری خیابان وجود ندارد که احتمالاً آب کانال به وسیله این تنبوشه‌ها به ساختمان‌های اطراف خیابان اتصال می‌یافته است. در دو طرف این معابر، بقایای واحدهای صنعتی از جمله کارگاه‌های شیشه‌گری به دست آمده است.

خیابان دوم: این خیابان شرقی - غربی ساخته شده که از یک طرف به زمین‌های کشاورزی و از طرف دیگر به امامزاده یحیی منتهی می‌شده است. به احتمال بسیار، این خیابان تا مقبره قابوس امتداد می‌یافته است. این خیابان با آجرهای $4 \times 20 \times 12$ سانتی‌متر و $4 \times 20 \times 20$ سانتی‌متر که به طور عمودی چیده شده، احداث و از نظر معماری، قسمت‌های لبه خیابان کمی مرتفع‌تر از قسمت‌های میانی بوده تا در هنگام بارندگی، آب‌های زائد از قسمت‌های مرکزی به خارج سرازیر گردد. عرض خیابان ۳ متر و طول مکشوفه آن ۱۰۰ متر می‌باشد.

خیابان سوم: سومین خیابان در قسمت شمال شرق امامزاده یحیی به دست آمده است. این خیابان از نظر معماری تقریباً شبیه خیابان دوم بوده، با این تفاوت که عرض آن بیشتر و در جهت شرقی - غربی امتداد داشته است. آجرهای این خیابان دارای ابعاد $4 \times 20 \times 20$ سانتی‌متر می‌باشد و مراکز مهم شهر از جمله مسجد، بنای حکومتی و کارگاه‌های صنعتی در اطراف آن احداث شده است.

خیابان چهارم: این خیابان در نزدیکی گرگان‌رود ایجاد گردیده، جهت آن شرقی - غربی و در عمق $15/2$ سانتی‌متری از سطح زمین‌های اطراف واقع شده است. این خیابان یکی از زیباترین

خیابان‌های شهر بوده و از مهم‌ترین بخش شهر می‌گذشته و با سبک بسیار جالبی ساخته شده است. آجرهای به کار رفته در آن $5 \times 25 \times 25$ سانتی‌متر است که به طور عمودی مفروش شده است. لبه خیابان با سه ردیف آجر افقی به عرض ۶۰ سانتی‌متر که هر کدام ۲۰ سانتی‌متر عرض داشته، بنا گردیده و هر ردیف با آجرهایی که عمودی قرار گرفته، از سایر ردیف‌ها جدا می‌شود. طرح آجری خیابان متنوع و به شکل جناغی شکسته، افقی و عمودی بوده و هر کدام در یک‌متری یکدیگر قرار گرفته‌اند. قسمت میانی خیابان با شیب ملایمی ساخته شده تا آب‌های زائد بتواند به آسانی از آن عبور کند.

طرح‌های تزئینات آجری این خیابان با طرح آجرکاری بسیاری از بناهای عصر سلجوقی و ایلخانی مانند میل رادکان و رباط سپنج قابل مقایسه است. سبک معماری این خیابان‌ها تاکنون در هیچ یک از شهرهای اسلامی ایران مشاهده نشده و می‌تواند معرف هنر شهرسازان و معماران قرون ۵ و ۶ هجری ایران باشد.

● بخش مسکونی و خدماتی

در نتیجه کاوش‌های قبل و بعد از انقلاب، در محوطه تاریخی جرجان، بقایای واحدهای مسکونی زیادی در این شهر کاوش شده است. اکثر این واحدهای مسکونی در اطراف بقعه امامزاده یحیی و داخل حصار در قرون اولیه مورد پژوهش قرار گرفته است. به طور کلی، این واحدهای مسکونی مکشوفه دارای سه دوره معماری می‌باشد. لایه اولیه معماری مکشوفه به استناد مقایسه مواد فرهنگی به دست آمده، مربوط به دوره سلجوقی و اوایل دوره ایلخانی است. در این دوره، به استناد متون تاریخی، شهر جرجان مورد حمله مغول واقع شده و شهر مورد غارت و تخریب قرار می‌گیرد و اکثر واحدهای مسکونی و تجاری و خدماتی شهر توسط مغولان تخریب می‌گردد. مردم از ترس جانیشان، به جنگل‌های اطراف پناهنده می‌شوند و پس از آرام شدن اوضاع، به شهر برمی‌گردند و با تخریب منازل و واحدهای تجاری و خدماتی مواجه می‌گردند و برای داشتن سرپناه، شروع به بازسازی واحدهای تخریبی ناتمام نموده و از آجرهای شکسته برای ساختن سرپناهی برای خود استفاده می‌نمایند. به طور کلی، ویژگی‌های معماری این دوره، استفاده از پاره آجرهای شکسته با اندود کاهگل و استفاده مجدد از بقایای معماری باقی مانده دوره قبل و چینه برای ساخت دیوار است، بعضی واحدهای مسکونی دارای دیوارهای بدون پی با اندود

کاهگل می باشند. دوره دوم و سوم معماری جرجان مربوط به دوره‌های سامانی و سلجوقی است. بقایای معماری مکشوفه از این دوره در عمق ۷ متری شهر مورد کاوش قرار گرفته و در نتیجه کاوش‌های بعد از انقلاب، بقایای بناهای مسکونی در داخل حصار هسته اولیه شهر به دست آمده است. بنای مورد کاوش دارای یک حیاط با اتاق‌ها و چاه‌های متعدد آب و کانال‌های دفع آب‌های سطحی بوده که همگی با مصالح ساختمانی آجر و گچ ساخته شده است. اندازه آجرها در بنای یاد شده عبارت است از $۲۲ \times ۲۲ \times ۴$ و $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$ و $۴۰ \times ۴۰ \times ۱۰$ سانتی‌متر. اتاق‌ها دارای اندازه‌های مختلف، ولی عموماً ۳×۴ متر ساخته شده است. دیوارها با گچ پوشش شده و حیاط نیز با آجرهای مربع و هشت گوش مفروش شده است.

● بارو و حصار شهر

شهر تاریخی جرجان دارای دیوار یا حصارهای داخلی و خارجی و خندق میان آن‌ها بود و ارگ شش‌ضلعی در قسمت مرکزی شهر قرار داشته است. بناهای مذهبی، دولتی و همچنین کارگاه‌های صنعتی شهر در میان و اطراف ارگ بوده‌اند. مصالح ساختمانی به کار رفته در بارو و حصار شهر، آجر و گچ و سنگ بوده است. اندازه آجرها مختلف، ولی عموماً $۲۵ \times ۲۵ \times ۵$ سانتی‌متر بوده و در بعضی قسمت‌ها از آجرهای $۵۰ \times ۵۰ \times ۱۰$ سانتی‌متری که در معماری و شهرسازی دوره اشکانی رایج بوده نیز استفاده شده است. علت آن شاید به دلیل نزدیکی این شهر با دیوار دفاعی گرگان بوده که در آن دوره بقایایی از این دیوار وجود داشته و مردم از مصالح آن برای ساخت حصار و واحدهای صنعتی و مسکونی شهر، به ویژه در قسمت پی بناها از آجرهای دیوار دفاعی گرگان استفاده نموده‌اند.

به نوشته سهمی، یزیدین مهلب پس از گشودن شهر جرجان، بارویی گردگرد آن ساخت، ولی هیچ‌گونه اطلاعات دیگری از جمله مصالح و ابعاد این بارو ارائه نمی‌دهد. بلاذری می‌گوید: شهر دیواری آجری داشت که مردم از دست ترکان در آن جا پناه می‌گرفتند، ولی هیچ‌گونه اطلاعی درباره ابعاد این دیوار ارائه نمی‌دهد.

● بخش‌های صنعتی:

اکثر واحدهای صنعتی، در اطراف معابر اصلی شهر ایجاد و گسترش یافته است. در نتیجه کاوش‌های باستان‌شناسی در این شهر، تاکنون بقایای چندین واحد صنعتی از جمله کارگاه‌های

منابع:

• ابن اسفندیار. (۱۳۲۰). تاریخ طبرستان (جلد اول). تهران: چاپ عباس اقبال.

• ابودلف، مسعود بن مهمل خزرجی. (۱۳۵۴). سفرنامه ابودلف در ایران. با تعلیقات و تحقیقات ولادیمیر مینورسکی. ترجمه ابوالفضل طباطبایی. تهران: زوار.

• اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۴۶). تاریخ مفصل ایران از حدود اسلام تا انقراض قاجاریه. ترجمه محمد دبیر سیاقی. تهران: کتابخانه خیا.

• امیرسز، ذن و مولول، ج.ب. (۱۳۷۰). تاریخ زمین لرزه‌های ایران. ترجمه ابوالحسن رده. تهران.

• پیرنیا، حسن. (۱۳۶۹). ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم. تهران.

• توبینی، آرنولد جوزف. (۱۳۷۹). جغرافیای اداری هخامنشیان. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران.

• ثعالی مرغنی، حسین بن محمد. (۱۹۰۰). تاریخ غرزالسر. المعروف بکتاب غرخالیار ملوک الفرسی سیرهم. پاریس: چاپ زوتنبرگ.

• حدود العالم من المشرق الی المغرب. (۱۳۶۱). به کوشش منوچهر ستوده. تهران.

شیشه‌گری، فلزکاری، سفالگری به دست آمده است. مصالح به‌کار رفته در واحدهای صنعتی شهر از آجرهایی به ابعاد $۱۰ \times ۲۷ \times ۲۷$ ، $۵ \times ۲۰ \times ۲۰$ ، $۱۰ \times ۴۰ \times ۴۰$ سانتی‌متر است که در ساخت دیوار واحدهای صنعتی از آنها استفاده شده و کف این واحدها با آجرهای چند ضلعی مفروش گردیده است. از داخل این واحدهای صنعتی، بقایای مربوط به ساخت ظروف شیشه‌ای و سفالی و آهنی به دست آمده است.

از جمله بقایای بخش‌های صنعتی شهر جرجان می‌توان به کوره‌های سفالگری این شهر اشاره کرد. کوره‌های مکشوفه در جرجان از نظر فرم و شکل، شباهت بسیار زیادی به کوره‌های مکشوفه از شهر تاریخی نیشابور دارد. در نتیجه کاوش‌های شهر جرجان، تاکنون بقایای ۵ کوره سفالگری در این شهر شناسایی شده است. فرم رایج این کوره‌ها به صورت مدور و مستطیل شکل می‌باشد. این کوره‌ها از بیرون مدور با قطر بین ۲۳۰ تا ۷۰۰ سانتی‌متر متغیر است و از داخل مثلثی شکل می‌باشند. ارتفاع آن‌ها بین ۶۰ تا ۲۳۰ سانتی‌متر متغیر است و آتشخانه در انتهای آن قرار دارد. مصالح به‌کار رفته در ساخت این کوره‌ها از آجرهایی به ابعاد $۴ \times ۲۵ \times ۲۵$ سانتی‌متر است که با گل به ضخامت ۳ سانتی‌متر اندود شده‌اند. داخل این کوره‌ها، سوراخ‌هایی برای آویزان کردن سفالینه‌ها به وسیله توپی‌ها و سه پایه‌های سفالی ایجاد شده است. از داخل این کوره‌ها، بقایای سفالینه‌های دفرمه شده، جوش کوره، سه پایه و توپی سفالی به دست آمده است.

از جمله بقایای دیگر بخش‌های صنعتی شهر جرجان، می‌توان به کوره‌های آهنگری و شیشه‌گری اشاره کرد که در اطراف معابر اصلی شهر ایجاد و توسعه یافته و مصالح به‌کار رفته در آن‌ها از آجر و دارای آتشخانه و گرمخانه می‌باشد.

● بناهای مذهبی:

یکی از مهم‌ترین بناهای مذهبی مکشوفه از شهر جرجان، بقایای مسجدی در جبهه جنوبی شهر با پلان چهار ایوانی است که در دو طبقه ساخته شده است. این مسجد دارای حیاط مرکزی به شکل مستطیل به ابعاد ۴×۴ متر و دو رواق در جهت شرقی و غربی به ابعاد ۴×۴ متر و $۵/۰ \times ۴/۵$ متر می‌باشد. کف این رواق‌ها حدود $۱/۵$ متر پایین‌تر از سطح حیاط واقع شده است. این رواق‌ها با آجرهای مدور و شش ضلعی مفروش گردیده. پلکان آجری، این رواق‌ها را به قسمت بالا و راهرو مرتبط می‌سازد. پلکان آجری مارپیچی در قسمت جنوب غربی مسجد

• خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۳۳). حبیب‌السیر. ذیل ماده. تهران.

• دباکونوف، ایگور میخائیلوویچ. (۱۳۲۷). تاریخ ماد. ترجمه کریم کشاورز. تهران.

• راوندی، محمدبن علی. (۱۳۶۴). راحة الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق به سعی و تصحیح محمد اقبال. با التزام حواشی و فهرس با تصحیحات لازم مجتبی مینوی. تهران.

• سهمی، حمزه بن یوسف. (۱۴۰۷ق). تاریخ جرجان. بیروت.

• شارپ، رالف نورمن. (۱۳۴۶). فرمان‌های شاهنشاهان هخامنشی. شیراز.

• طبری، محمدبن جریر. (۱۳۵۳). تاریخ طبری (جلد ۶). ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران.

• عمرانی رکاوندی، حمید. (۱۳۷۹). گزارش ساماندهی جرجان. مرکز اسناد پژوهشگاه باستان‌شناسی.

• غلامحسین مصاحب. (۱۳۴۵-۱۳۷۴). دایره‌المعارف فارسی. ذیل ماده. تهران.

• کیانی. نظری اجمالی به شهر نشینی و شهرسازی ایران.

• کیانی، محمد یوسف. (۱۳۵۴). گزارش مقدماتی بررسی‌های دشت گرگان، سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران. تهران: موزه ملی.

قرار دارد که احتمالاً بقایای یک مناره است. جبهه جنوبی ساختمان (قبله) کامل نشده است. از بقایای تزئینات به دست آمده از این مسجد، می‌توان به بقایای حدود ۲ هزار آجر حکاکی شده با طرح مختلف و نیز کاشی‌های تک‌رنگ اشاره کرد.

این مسجد یکی از مهم‌ترین مساجد مکشوفه در شهر جرجان است که ظاهراً قبل از حمله مغول یا در زمان وقوع آن در اوایل قرن هفتم هجری ساخته شده است. بر اساس نتایج کاوش‌های انجام شده در این مسجد، مشخص گردید که بخش‌هایی از مسجد از جمله جبهه جنوبی، مناره‌ها، گنبد و مقصوره آن به اتمام نرسیده و نیمه کاره رها شده است.

تزئینات وابسته به معماری:

● **آجرکاری:** از اوایل دوره اسلامی و قبل از ظهور کاشی، هنر آجرکاری برای تزئین بناهای مذهبی و عمومی استفاده می‌شد. تا اوایل دوره سلجوقی، تزئین با آجر در اغلب نواحی ایران مرسوم شده بود. کاوش‌های جرجان باعث پیدا شدن نمونه‌های منحصر به فردی از آجرکاری‌های دوره سلجوقی گردید که در تزئین کف معابر، کوچه‌ها با اشکال هندسی مورد استفاده قرار گرفته بود. در میان مهم‌ترین یافته‌های جرجان، به کشف بقایای تعداد بسیار زیادی آجر با اشکال هندسی مدور و شش ضلعی به ابعاد ۱۵×۱۰ سانتی‌متر می‌توان اشاره کرد که روی آنها با نقوش تزئین هندسی، زیگزاگ افقی و عمودی حکاکی شده است.

● **کاشی‌کاری:** هنر کاشی‌کاری و کاشی‌سازی در ایران به دوران پیش از تاریخ باز می‌گردد. در دوره هخامنشی، از آجرهای لعابی و تزئینی به رنگ‌های سبز، زرد، قهوه‌ای در محل‌هایی چون شوش و تخت جمشید استفاده کاملی شده است. آجرهای لعاب فیروزه‌ای از اوایل دوره سلجوقی استفاده می‌شد. یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های کاشی فیروزه‌ای با نوشته کوفی که در جرجان به دست آمده، مربوط به پایان قرن چهارم است. طی کاوش‌های جرجان، بقایای کاشی‌های بسیاری در کارگاه‌های کاوش به دست آمده که می‌توان آن‌ها را به گونه‌های زیر تقسیم‌بندی کرد:

● **کاشی‌های تک رنگ فیروزه‌ای:** تولید کاشی‌های تک رنگ فیروزه‌ای از حدود قرن چهارم هجری آغاز شد. در آغاز این کاشی‌ها را یا به صورت صفحه یا قطعات کوچک تولید می‌کردند. بهترین نمونه، صفحه‌ای از جرجان به دست آمده که روی آن نام حضرت محمد (ص) به خط

• کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۵). نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی ایران. تهران: ارشاد اسلامی.

• کیانی، محمد یوسف، و کریمی، فاطمه. (۱۳۶۴). هنر سفالگری در دوره اسلامی. تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران.

• کیانی، محمد یوسف. (۱۳۵۵). اولین گزارش مقدماتی بررسی‌های دشت گرگان «چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران». موزه ملی تهران.

• گوتمیت، آلفرد. (۱۳۵۶). تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان. ترجمه کیکاوس جهانداری. تهران.

• مارکوارت، یوزف. (۱۳۸۲). ایران‌شهر در جغرافیای بطلیموس. ترجمه مریم میراحمدی. تهران.

• مرتضایی، محمد. (۱۳۹۴). دستاوردهای پژوهش باستان‌شناسی گنبد کاووس. مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۴/۱۸۵.

• مرتضایی، محمد. (۱۳۸۱). گزارش نخستین فصل کاوش‌های باستان‌شناسی جرجان. گزارش‌های باستان‌شناسی شماره ۳ پژوهشکده باستان‌شناسی.

کوفی نوشته شده است.

در دوره سلجوقی، کاشی‌های تک رنگ مربع یا مستطیل شکل در رنگ‌های دیگر چون سبز تیره و آبی روشن معمول بودند. در دوره سلجوقی و خوارزمشاهی، کاشی‌های تک رنگ برای تزئینات داخلی و خارجی استفاده می‌شد.

● کاشی‌های تک رنگ نشانده در گچ

این شیوه بیشتر به کار موزاییک نزدیک است. تکه‌های کوچک کاشی در شکل‌های هندسی بریده شده‌اند و در زمینه‌ای گچی اندود جای گرفته‌اند. این تکه‌های کوچک موزاییک اغلب دارای اندازه ۵-۳ سانتی‌متر هستند که تعدادی از آن‌ها در کاوش‌های جرجان به دست آمده است.

● کاشی‌های زرین فام

یکی دیگر از انواع تزئینات مهم بناهای مذهبی، کاشی زرین فام بود. به نظر می‌رسد تولید کاشی زرین فام در جرجان از اوایل دوران اسلامی و هم‌زمان با شروع تولید سفال زرین فام آغاز شده، در طول کاوش‌های جرجان به‌ویژه در اطراف کوره‌های مکشوفه، کاشی‌های زرین فام به دست آمده است. شکل این کاشی‌ها مربع، مستطیل، چند ضلعی و هشت ضلعی است. این کاشی‌ها دارای نقوش تزئین شامل نقوش انسانی، حیوانی گیاهی، هندسی هستند و در حاشیه‌ها دارای کتیبه می‌باشند. مضمون این کتیبه‌ها شامل ضرب‌المثل و سخنان منتسب به حضرت محمد(ص) و دیگر شخصیت‌های مذهبی هستند.

● گچ‌بری

تزئینات گچ‌بری، عنصر متداول دیگری در تزئینات معماری جرجان از آغاز دوران اسلامی بود. در نتیجه کاوش‌های شهر جرجان به‌ویژه دوره سامانی، قطعات ریز تزئینات گچی به دست آمده است. نقوش به‌کار رفته بر روی این گچ‌بری‌ها شباهت بسیار زیادی به تزئینات گچی مسجد جامع نایین دارد. طرح‌های به‌کار رفته بر روی قطعات گچی مکشوفه از جرجان شامل نقوش گیاهی، گل سرخس، برگ کنگری و چند قطعه کنده‌کاری هستند که قابل مقایسه با طرح‌های کنده‌کاری روی گچ دوره ساسانی می‌باشد.

• مرتضایی، محمد. (۱۳۸۸).
دشت گرگان در عصر مفرغ.
مجموعه مقالات سومین همایش
بین‌المللی روابط بین فرهنگی
عصر مفرغ آسیای میانه. تهران.

• مرعشی، ظهیرالدین بن
نصیرالدین. (۱۸۵۰). تاریخ
طبرستان و رویان و مازندران.
پترزبورگ: چاپ برنهارد دورن.

• مستوفی، حمدالله. (۱۳۳۹).
تاریخ گزیده. ترجمه عبدالحسین
نوائی. تهران.

• ملگونف، والریانوویچ. (۱۳۶۴).
سفرنامه ملگونف به سواحل جنوبی
دریای خزر. تصحیح تکمیل و
ترجمه: مسعود گلزاری. تهران.

• مهریار، محمد و همکاران.
(۱۳۶۱). گزارش ساماندهی
محوطه جرجان. مرکز اسناد
سازمان میراث.

• نولدکه، تئودور. (۱۳۵۸).
تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان
ساسانیان. ترجمه عباس زررباب
خویی. تهران.

• یعقوبی، احمدبن ابن یعقوب.
(۱۸۸۳). تاریخ یعقوبی. ناشر
ماریتوس تئودور هوتسما. لندن بریل.